



«شرق» از وضعیت اقتصادی سالن‌های نمایش گزارش می‌دهد

چهره‌ها به صحنه برمی‌گردند؟

باشند تا سالن‌ها هم زنده شوند و این مهم فقط با همکاری هنرمندان این عرصه ممکن می‌شود.»

او ادامه داد: «در حال حاضر اجراهای به نسبت باکیفیتی را در سالن‌های تئاتر شهر می‌بینم و حتی در سالن‌های خصوصی مثل «شهرزاده» نمایش خانم گل‌آدینه اجرا می‌رود و سالن‌های دیگر هم به مرور راه می‌افتد.»

طاهری درباره کیفیت آثاری که این روزها روی صحنه می‌رود نیز گفت: «به لحاظ کیفیت، آثار قابل قبولی روی صحنه می‌روند. نمایش‌هایی که در مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود، با اینکه مخاطب کمتری نسبت به سابق دارند اما وضعیت مطلوبی دارند. یکی از دلایلی که سالن‌های ما نسبت به قبل به لحاظ تعداد مخاطب تغییراتی داشتند، عدم دسترسی برای تبلیغات آثار است. چراکه با وجود محدودیت‌های اینترنت، مخاطب تئاتر کمتر از اجراهایی که روی صحنه هست باخبر می‌شود. بیراه نیست اگر بگویم که طی سال‌های اخیر فعالیت‌های مجازی طیف گسترده‌ای از مخاطبان را متوجه نمایش‌های روی صحنه می‌کرد و مردم هم به این شکل از اطلاع‌رسانی عادت کرده بودند و الان در غیاب این شکل از تبلیغات، اطلاع‌رسانی به‌صورت جامع و کامل به مخاطبان تئاتر و جامعه هدف منتقل نمی‌شود. امیدوارم هرچه‌زودتر این موضوع برطرف شود، چراکه در این مدت شاهد بودیم همچنان تماشاگر تئاتر، مشتاق دیدن نمایش‌های روی صحنه است؛ اما همان‌طورکه پیش‌تر گفتم به دلیل عدم اطلاع‌رسانی درست و بعد نبود تنوع لازم در نمایش‌های روی صحنه که با سلیقه و ذائقه تماشاگر همسو باشد، شاهد استقبال چشمگیر از سمت مخاطبان نیستیم. این موضوع دست‌کم در سالن‌های دولتی چشمگیرتر است.»

طاهری همچنین سال آینده را برای گروه‌های نمایشی امیدوارکننده توصیف کرد: «تصور می‌کنم در سال آینده چرخه تئاتر مجدد به مسیر قبلی برمی‌گردد. مقصودم این نیست که به زودی شاهد سالن‌هایی با حداکثر ظرفیت باشیم. انتظار ما هم این نیست. قطعاً نمی‌توانیم سالن‌های تئاتر را همان‌طورکه پنج ماه پیش بودند در نظر بگیریم. باید پذیریم که یک شوک قدیم‌گراندیم و معتقدم تنها صنفی که مظلوم واقع شدند، اهالی هنر بودند. در این میان شرایط تئاتر بحرانی‌تر بود، چراکه اساساً ارتباط بی‌واسطه‌تری با مخاطب دارد. در این مدت سعی کردیم چراغ سالن تئاتر را روشن نگه داریم، هرچند برخی به این موضوع نگاه مثبت‌تری داشتند.»

علی سرتیپی در پاسخ به این پرسش که نقش نظارتی تلویزیون و ساترا بر پلنفرم‌ها چقدر اثرگذار بوده است و تعامل با ساترا چطور پیش می‌رود؟ گفت: «اینکه چند درصد از موبایل‌وی‌اودی‌ها را دنبال می‌کنند، عددی حدود ۵۰ درصد است. سهم موبایل نسبت به دیگر ابزارِی که مخاطبان برای دنبال‌کردن وی‌اودی‌ها استفاده می‌کنند، یک مقدار پایین‌تر آمده است. نباید فراموش کرد که مردم در ابتدا روی موبایل‌ها وی‌اودی دیدند و بعد این موجب رشد شد. درمورد وضعیت کنونی تولیدات و ساترا ما مشکلات بسیار زیادی داشتیم. از یک‌سال‌و خرده‌ای قبل که وارد این عرصه شدم، با شرایط متفاوت و بدی نسبت به ۳۰ سالی که با ارشاد کار کرده بودم، مواجه شدم. به نظرم چنین آمد که دوستان نمی‌خواهند ما کار کنیم. گویی از دست‌شان در رفته و چند وی‌اودی فعال شده است و حالا وضعیت را مایل‌اند به گونه‌ای تغییر دهند که ما کنار برویم؛ اما اصرار ما و نگاه کلی حاکمیتی به پلنفرم‌ها باعث شد این فعالیت‌ها مثبت تلقی شود و ما هم ایستادیم و بالاخره کارمان ادامه پیدا کرد. اصل قضیه این بود که دوستان نگاه تلویزیون را داشتند و حتی می‌گفتند پلنفرم‌ها باید از تلویزیون

به فضای تئاتری کشور وارد شد و زمان نیاز داریم تا کمی شرایط آرام‌تر شود. فکر می‌کنم پایان نیمه اول سال ۱۴۰۲ این اتفاق خواهد افتاد و باز هم سالن‌های نمایش را پر مخاطب خواهیم دید.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «جای خوشحالی دارم، یسا فرخ‌خوانی که در تئاتر شهر برای پذیرش متونی که در سال ۱۴۰۲ قابل اجرا هستند، داده شده شاهد این هستیم که بسیاری از هنرمندان تقاضای اجرا برای سال آینده را دارند.»

طاهری در پاسخ به این پرسش که در سال آینده چه چهره‌ها و گروه‌های نمایشی در این مجموعه روی صحنه خواهند رفت؟ گفت: «در حال حاضر به جهت اینکه

بررسی نهایی انجام نشده است، اسم افراد و چهره‌ها را مطرح نمی‌کنم. باید فرصتی داد تا پایان اسفندماه دوستان به طور کامل به جمع‌بندی در رابطه با نمایش‌های منتخب برای اجرا در سال ۱۴۰۲ برسند و بعد اسمی و گروه‌ها را به طور کامل اعلام می‌کنیم. باید تاکید کنم که ۶۰ درصد ظرفیت مجموعه تئاتر شهر مختص گروه‌های متقاضی در فراخوان است و ۴۰ درصد ظرفیت این مجموعه قطعاً به کارگردان‌های فریخته و

شاخصی پیشنهاد می‌شود تا در سال آینده در مجموعه تئاتر شهر اجرا داشته باشند.»

سعی کردیم چراغ سالن تئاتر را روشن نگه داریم

داود نامور، مدیر عمارت نوفل‌لوشاتو نیز درباره اسقبال مخاطبان طی چند ماه گذشته از نمایش‌های روی صحنه به «شرق» گفت: «طی سه، چهار ماه گذشته اتفاقات بسیاری را از سر گذراندیم و معتقدم تنها صنفی که مظلوم واقع شدند، اهالی هنر بودند. در این میان شرایط تئاتر بحرانی‌تر بود، چراکه اساساً ارتباط بی‌واسطه‌تری با مخاطب دارد. در این مدت سعی کردیم چراغ سالن تئاتر را روشن نگه داریم، هرچند برخی به این

جمله نقد دارند که اصلاً چراغی روشن نیست. من معتقدم این چراغ با اینکه کم‌سو است، اما همچنان نور دارد و به حیاتش ادامه می‌دهد. مجموعه «نوفل‌لوشاتو» در بحرانی‌ترین شرایط اجتماعی کشور هم توانست برنامه و استراتژی خودش را داشته باشد. در این مدت هیچ گروهی را تحت فشار نگذاشتیم که اجرا بروند یا بالعکس. این تعامل وجود داشت که طی گفت‌وگو ابعاد مختلف کار بررسی شد و طبق آن برنامه‌ریزی برای اجرا صورت گرفت. حتی این گزینه برای گروه‌های نمایشی وجود داشت که سال آینده اجرا بروند که بعد از صحبت‌ها و حمایت‌های ما، بسیاری از آنها اعلام کردند که آمادگی اجرا را دارند. با این شرایط در مهر، آبان و آذر اجراهای مختلفی داشتیم و اتفاقاً یک سری از اجراهای ما حتی در فهرست پر فروش‌ترین‌ها بود. در این مدت سعی کردیم گروه‌های نمایشی را حمایت کنیم؛ مثلاً اگر گروهی باید بابت اجاره سالن هزینه‌ای می‌داد، مبلغی دریافت نکردیم و از فروششان هم تا ۷۰ درصد تقدیمشان کردیم. این تعامل از سمت ما به این دلیل بود که گروه‌هایی در شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی، جان‌فدایی کردند و پای حرفشان ایستادند و اثرشان را روی صحنه بردند. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «گروه‌هایی که در این مدت اجرا داشتند، حرف‌هایشان را روی صحنه زدند. حتی اگر انتقاد و اعتراضی هم بود، روی صحنه بیان شد. این شیوه و رفتار قطعاً از چشم ما هم دور نماند و قدردان آنها هستیم. هیچ‌گاه این هنرمندان و گروه‌های تئاتری را فراموش نمی‌کنم و همیشه مسیر اجرارفتن در این مجموعه برای آنها باز است.» نامور ادامه داد: «طبیعی است که نباید انتظار داشته باشیم همه چیز شکل سابق را داشته باشد. استقبال تماشاگران از سالن‌های تئاتر هم مثل سابق نیست. در این میان نباید بحث معیشت و اقتصاد مردم را فراموش کنیم که در این شرایط هزینه دیدن تئاتر توسط یک خانواده مبلغ قابل توجهی می‌شود. طبیعی است که مخاطبان تئاتر مثل گذشته نیستند و در این میان بچه‌های تئاتر از آثار یکدیگر در سالن‌ها حمایت می‌کنند.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «نایب اجازه دهیم که تئاتر از بین برود. طبیعی است که من به عنوان مدیر یک مجموعه خصوصی مشکلات بسیاری را متحمل شده و می‌شوم ولی با این همه باید تا جایی که ممکن است برای این شرایط تدبیر کنیم و تصمیم‌های درست بگیریم. متأسفم که بخش خصوصی هیچ‌وقت دیده و حمایت نمی‌شود و انتقادی که از مدیر کل اداره هنرهای نمایشی دارم این است که در این مدت هیچ حمایتی از بخش خصوصی، به‌ویژه بخش ما نشده است و فکر نمی‌کنم در آینده هم اتفاق ویژه‌ای بیفتد. امیدوارم مدیریت جدید دکتر نظری، نگاه ویژه‌تری به این بخش داشته باشد و اصلاحاتی انجام دهد و کمسی به بخش خصوصی بهسا بدهد. توجه به این بخش، صرفاً نگاه به سالن نیست، بلکه بهادان به گروه‌هایی است که در مجموعه‌های ما اجرا می‌روند. باید از آنها حمایت‌های مالی درستی انجام شود. در حال حاضر مجموعه‌های دولتی انگشت‌شماری داریم. تئاتر شهر و ایران‌شهر که نیمه‌دولتی است و دیگری سنجلیج است.

او در سخن‌هایش گفت: «تصور می‌کنم در سال آینده چرخه تئاتر مجدد به مسیر قبلی برمی‌گردد. مقصودم این نیست که به زودی شاهد سالن‌هایی با حداکثر ظرفیت باشیم. انتظار ما هم این نیست. قطعاً نمی‌توانیم سالن‌های تئاتر را همان‌طورکه پنج ماه پیش بودند در نظر بگیریم. باید پذیریم که یک شوک به فضای تئاتری کشور وارد شد و زمان نیاز داریم تا کمی شرایط آرام‌تر شود. فکر می‌کنم پایان نیمه اول سال ۱۴۰۲ این اتفاق خواهد افتاد و باز هم سالن‌های نمایش را پر مخاطب خواهیم دید.

کنیم و باید ادامه دهیم تا به مقصد برسیم.» نامور ادامه داد: «هم‌اکنون دو، سه اجرا در مجموعه داریم که از استقبال مخاطبان راضی هستیم و امیدوارم در سال آینده اتفاق‌های بهتری را تجربه کنیم. تا تیرماه سال آینده تکلیف یک‌سری از گروه‌های نمایشی مشخص شده و قراردادها بسته شده و بیش از ۱۲ اجرا در نظر گرفته شده است. به‌زودی تمرین‌ها و بازی‌نی‌ها انجام خواهد شد. باید امیدوار بود و حرکت کرد و با حمایت‌های دولت می‌توان انتظار داشت به نسبت امسال در ۱۴۰۲ شرایط بهتری را در زمینه استقبال مخاطب از نمایش‌های روی صحنه تجربه کنیم.»

یادداشت

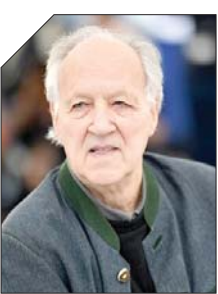
جاده‌ها و آدم‌ها

درباره مستند «مرز» ساخته آلیس توماسینی که در سالگرد جنگ روسیه و اوکراین در ۵۰ کشور جهان از جمله ایران اکران شد

صوفیا نصراللهی، مستند «مرز» با دشستی از گل‌های زرد زیر آسمان آبی آغاز می‌شود که به وضوح یادآور پرچم اوکراین است و صدای زنی که از پشت تلفن با مادرش تماس می‌گیرد. بعد چهره این زن را هم می‌بینیم؛ یکی از پنج زنی که در این فیلم راوی هستند و قهرمان فیلم هم به شمار می‌روند، هرچند همه آن زنانی که در فیلم می‌بینیم، با چنان ترس و وحشی مواجه شده‌اند و جان سالم به در برده‌اند که شایسته عنوان قهرمانی هستند. توماسینی سراغ وجهی از این جنگ رفته که کمتر به آن پرداخته‌اند، اما تماشایش دلگرم‌کننده است؛ نقش آدم‌های معمولی که وسط بازی‌های سیاسی جهان تمام انرژی‌شان را روی انسانیت و حقوق بشر می‌گذارند و شاید تلاش‌هایشان کوچک به نظر برسد، ولی از ده‌ها بیانه بی‌فایده تأثیرگذارتر هستند. پنج زن اوکراینی در سنین مختلف که قبل از این ماجراها به مجارستان مهاجرت کرده بودند، تصمیم می‌گیرند هرکدام به طریقی به پناه‌جویان اوکراینی کمک کنند. مادر یکی از آنها هنوز در اوکراین است و علی‌رغم درخواست دخترش که می‌گوید حاضر است به کمکش برود و او را بیرون بیاورد، به لحاظ ذهنی و فیزیکی آماده این سفر دشوار نیست. این مادر را در طول فیلم نمی‌بینیم، اما حضورش به اندازه آن کودک‌ان زیبای بی‌نگاه که با مادرهایشان به مجارستان فرار کرده‌اند، احساس‌برانگیز است. در یکی از مکالمات تلفنی می‌گوید که این سفر یک‌روزه نخواهد بود و به همین دلیل سفر دشواری است که باید پیش از اقدام به آن، توانش را جمع کند. دختر این زن برای بچه‌ها اسباب‌بازی می‌خرد و در مرز آنها را سوار اتوبوس‌ها می‌کند و شماره‌اش را به پناه‌جویان می‌دهد تا در این سفر سخت همراهشان باشد. قصه این زن که آغازگر فیلم است، کنار قصه دختران راننده جذاب‌ترینشان بود. این دختران جوان زیر ۲۰ سال از اوقات فراغت و زندگی راحتشان می‌گذرند و یاد می‌گیرند که چطور کامیون‌ها و ماشین‌های سنگین را برندند تا مایحتاج اوکراینی‌ها را از آنها برسانند. یکی از آنها خاطره‌ای می‌گوید از مسیرهای مین‌گذاری‌شده و اینکه وقتی در هوای خوب از جاده‌ها عبور می‌کنی، مسئله یک چیز است، اما وقتی باران می‌زند و جاده خیس است، هر لحظه امکان انحراف ماشین سنگین و رفتن آن روی مین وجود دارد. آنها می‌گویند اگر در جبهه حضور داشته باشند، راحت‌تر است؛ چون لاقال اگر روی مین کشته شوند به خانواده‌شان غرامتی پرداخت خواهد شد و با این حال باز هم به کارشان ادامه می‌دهند. مستند توماسینی هرچند گفت‌وگومحور است، اما حرف نیست. چند موتیف تصویری دارد: پاهایی که از پله‌های اتوبوس‌ها بالا و پایین می‌روند که نشانه‌ای از رفتن و هجرت است. حرف‌زدن با موبایل که ما آدم‌های آن طرف خط را نمی‌بینیم، اما تأثیرشان روی آدم‌های این‌سمتی مشخص است. همان‌طور که اتفاقی که در سرزمین مادری می‌افتد، هر جای دنیا که باشی تو را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و مهم‌تر از همه جاده؛ جاده‌ای در مجارستان که به مرز ختم می‌شود و آدم‌های فیلم مدام در آن در رفت‌وآمد هستند. مستند «مرز» در سالگرد حمله روسیه به اوکراین به صورت گسترده در جهان اکران شد و در ایران نیز به همت سفارت ایتالیا افتتاحیه آن صورت گرفت. فیلمی که خاطرات آدم‌هایش برای ما که خودمان شاهدت سال‌ها خانه‌هایمان بمباران می‌شد، آشنا و احساس‌برانگیز است.

خبربرگزیده

ورنر هرتسوک سوژه یک فیلم شد



مهر: تصویری از یک فیلم‌ساز درجه یک، نویسنده و شاعری در جست‌وجوی حقیقت یعنی ورنر هرتسوک در قاب یک مستند ساخته شد. مردی که یک قایق بخار ۳۲۰ تنی را بر فراز تپه‌ای شیب‌دار در پرو بالا برده بود، فیلم‌سازی که بازیگرانش را هیئوتیزم می‌کند، از آتشفشان‌ها بالا می‌رود، با قاتلان محکوم به اعدام صحبت می‌کند، کفش‌های خودش را می‌پزد و می‌خورد، حالا سوژه یک مستند شده است. هرتسوک مردی است که صدایش را به «سیمپسون‌ها» و فیلم‌های پرفروشی مانند «ماندالوریان» داده و از مونیخ به پاریس رفته تا از مرگ زنی منتقد سینما که بسیار تحسینش می‌کرد، جلوگیری کند. چنین داستان‌هایی است که موجب شده این کارگردان برجسته به یک چهره تأثیرگذار در سراسر جهان بدل شود. اکنون مستندی با عنوان «ورنر هرتسوک: رؤیاپرداز رادیکال» با دسترسی انحصاری به پشت صحنه زندگی روزمره هرتسوک، با استفاده از مطالب بایگانی‌کمیاب و مصاحبه‌های عمیق با خود این چهره و همکاران مشهور او در قالب این مستند شکل گرفته است. در این مستند چهره‌های مشهور ازجمله کریستین بیل، نیکول کیدمن و همسر کارگردان لنسا هرتزوک با نگاهی هیجان‌انگیز به او دربارۀ فرآیند کار و زندگی شخصی او صحبت کرده‌اند. این مستند که برای اولین بار پرتزهای جامع از یک هنرمند نمادین زمان ما ارائه می‌دهد، به دست توماس فون اشتاینکر مستندساز و روزنامه‌نگار آلمانی ساخته شده است. این فیلم دربرگیرنده بازیگران، کارگردان‌ها، مدیران فیلم‌برداری و تهیه‌کنندگانی مانند مارتیبه هرتزوک گرومان، پل هولدن‌گرابر، توماس ماچ، رابرت پیتسنور، ولکر شلوندورف، پتی فرلاند کارل ورتز، ویم وندرس، پیتر زاپلینگر و کلونه ژانو است که در طول دوران طولانی حرفه‌ای هرتسوک با او کار کرده‌اند و در این فیلم در برابر دوربین رفته‌اند تا از هرتسوک بگویند، همچنین خود هرتسوک حکایت‌های فوق‌العاده‌ای درباره لوکیش‌ها و صحنه‌های فیلم‌هایش بیان می‌کند و اینکه در جست‌وجویی ابدی برای کشف زیبایی است. هرتسوک از این مصاحبه‌ها به دقت با تصاویر آرشیوی هرتسوک که پیش‌تر دیده نشده‌اند و کزیده‌هایی نمادین از فیلم‌های بلند و مستند و فیلم‌های کوتاه او در هم آمیخته شده است. این فیلم که محصول مشترک آلمان و بریتانیا در سال ۲۰۲۲ است و اولین نمایش جهانی خود را ماه سپتامبر در جشنواره تلوراید انجام داد، سپس به جشنواره‌های کلن، ای‌دفا، کوک و سانتاباریا نیز رفت و به نمایش درآمد. شرکت متانیم مستقر در بریتانیا حقوق فروش این مستند را در سراسر جهان به جز آمریکا، آلمان و فرانسه به دست آورده است.